

راجراسکروتن
اندیشہ اسپینوزا

ترجمہ اسماعیل سعادت



فرہنگ جاوید

فهرست

۹	آگاهی
۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	۱ زندگی و شخصیت
۳۳	۲ زمینه
۴۹	۳ خدا
۶۹	۴ انسان
۹۱	۵ آزادی
۱۱۳	۶ دولت
۱۲۹	۷ میراث اسپینوزا
۱۳۹	واژه‌نامه لاتینی
۱۴۳	واژه‌نامه
۱۵۱	برای مطالعه بیشتر تر
۱۵۵	نمایه

۱

زندگی و شخصیت

بِنْدیکت (باروخ) دِ اسپینوزا^۱ (۱۶۳۲-۱۶۷۷) زمانی در هلند می‌زیست که اکتشافات علمی و شقاق دینی و دگرگونی عمیق سیاسی انقلابی در سرشت و کاربرد فلسفه پدید آورده بود. هنگامی که اسپینوزا مشتاقانه به صف مبارزات فکری عصر خود پیوست، فلسفه برای او، نه سلاح، بلکه روش زندگی بود؛ طریقت مقدسی بود که سالکان خود را به سعادت والا و مطمئنی راه می‌نمود. ولی هر طریقتی مستلزم فداکاری‌ای است، و آن فداکاری‌ای که فلسفه طلب می‌کند — قبول حقیقت به عنوان راهنما و غایت مطلوب خود — برای منکران آن نه به آسانی به‌جای آوردنی است و نه به سهولت دریافتنی. فیلسوف ممکن است برای عاقبت مردم ویرانگر روح و بنیان‌کن نهادهای قانونی و مدافع شر بنماید. اسپینوزا برای مردم زمانه خود چنین کسی می‌نمود، و سال‌ها پس از مرگش هم، او را بزرگ‌ترین بدعتگذار قرن هفدهم می‌دانستند. نیاکان اسپینوزا یهودیانی بودند که در طی قرن شانزدهم در مرزهای میان اسپانیا و پرتغال مسکن داشتند و تجارت پُرونقی در پیش گرفته

1. Benedict (Baruch) de Spinoza

بودند. قرن‌ها بود که این مردمان در شبه‌جزیره اسپانیا در حمایت امیران مسلمان آزادانه و آسوده‌خاطر می‌زیستند و آشکارا با همسایگان مسلمان خود آمیزش داشتند. متألّهان و عالمان آن‌ها به جنبش بزرگ احیای فلسفه ارسطو پیوسته بودند، و یکی از آن‌ها — موسی بن میمون (۱۱۳۵-۱۲۰۴) — تأثیر بس عمیقی نه تنها در یهودیت، بلکه همچنین در اسلام و مسیحیت، برجای نهاده بود. موسی بن میمون بود که بیش از همه کوشید تا الهیات قرون وسطایی را بر طریقت ارسطویی آن بنا نهد — طریقتی که سرانجام به خداپرستی^۱ صرف عجیبی منجر شد که بسیاری آن را خداناپرستی^۲ دانستند و محکوم کردند، همان خداناپرستی‌ای که به اسپینوزا نسبت می‌دادند.

هنگامی که مملکت غرناطه به تصرف فردیناند^۳ و ایزابل^۴ [شاهان کاتولیک اسپانیا] درآمد و عرب‌ها سرانجام از شبه‌جزیره بیرون رانده شدند، عصر انتقام آغاز شد. دشمنان مسیح اکنون به سبب جنایاتی که خود تا آن زمان از آن بی‌خبر بودند بی‌وقفه مجازات می‌شدند. یهودیان برای رهایی از آزار تفتیش عقاید مجبور بودند که یا به مسیحیت بگردند یا به جاهای دیگر مهاجرت کنند؛ جمع کثیری از یهودیان نوگرویده به آیین مسیحیت — در زبان عوام معروف به ”مارانو“^۵ — زیر چشمان مراقب تفتیش عقاید، که هرگز نمی‌توانست صداقت‌گروش اجباری آن‌ها را کاملاً باور کند، زندگی فلاکت‌باری می‌گذراندند. لفظ ”مارانو“ را گاه مأخوذ از آیه بیست و دوم از باب شانزدهم رساله اول پولس رسول به قرنتیان دانسته‌اند: «اگر کسی عیسی مسیح را دوست ندارد آناتیما باد ماراناتا». همچنین این لفظ ممکن است تحریفی از لفظ ”موریسکو“^۶ یا ”مور“^۷ باشد که به عرب‌های اسپانیا گفته می‌شد. در هر حال ”مارانو“ در زبان اسپانیایی به معنی ”خوک“ است.

اتحاد تحمل‌ناپذیر استبداد مذهبی و استکبار دنیوی حکومت سلطنتی

1. theism

2. atheism

3. Ferdinand

4. Isabelle

5. marrano

6. morisco

7. moor

اسپانیا سرانجام عصیانی برانگیخت که انحطاط این حکومت را در پی آورد. از قیام نومیدانه معدودی از اتباع هلند "ایالات متحد" جدیدی سر برآورد که وعده داد که، به شیوه امیرنشین‌های عرب، آزادی و تساهل مذهبی در پیش خواهد گرفت. در بهار سال ۱۵۹۳، جمع کوچکی از "مازانو"ها، که مجذوب فرمان تساهل "اتحاد اوترخت"^۱ در سال ۱۵۷۹ شده بودند، مخفیانه از پرتغال در کشتی نشستند و رهسپار دریا شدند. "اتحاد اوترخت" هنگامی پدید آمده بود که ایالات هفت‌گانه شمالی در برابر شاه اسپانیایی خود دست یگانگی به هم دادند و از ویلیام کبیر، ویلیام اورانژاؤل^۲ (ویلیام خاموش^۳)، حمایت خواستند. "مازانو"ها، چون در بندر امین^۴ (واقع در کنار دریای شمال) فرود آمدند، به صوابدید یهودیان آلمانی فریسلاند شرقی^۵ به آمستردام^۶ رفتند. در آن جا بی‌درنگ به ایمان نیاکان خود، که تفتیش عقاید به‌رغم ماهرانه‌ترین روش‌های خود نتوانسته بود آن را ریشه‌کن کند، بازگشتند.

علل عصیان در هلند متعدّد بود، ولی مهم‌ترین آن‌ها بالاگرفتن کار نهضت اصلاح دینی و خواست آن دایربراستقرار آزادی کافی پرستش بود تا به‌یمن آن کلیساهای اصلاح‌شده امکان هستی و سازمان‌های آن‌ها امکان زندگی و شکفتگی بیابند. جنگ با اسپانیا تا صلح مونستر^۷ در سال ۱۶۴۸ به‌تناوب ادامه یافت، و در طی این مدّت "ایالات متحد" جدید مرزهای خود را مشخص کرد و در درون آن قدم در راه شکفتن نهاد. "ایالات متحد"، که بعداً به‌نام "جمهوری هلند" خوانده شد، اتحاد نیم‌بندی از شهرهای قرون وسطایی بود؛ نمایندگان آن در "اتاژنرو"^۸ (مجلس عمومی) بی‌گرم می‌آمدند که مسئولیت‌های آن دقیقاً یا قانوناً مشخص نبود. تفویض

1. Union of Utrecht

2. William I of Orange

3. William the Silent = Guillaume le Taciturne

4. Emden

5. East Friesland

6. Amsterdam

7. Munster

8. Estates General = États généraux